

تروریسم؛ خطر و قانونگذاری

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۸/۱

تاریخ تأیید: ۱۳۸۵/۸/۳۰

ترجمان: مهدی مقیمی* و مجید قورچی بیگی***
هانس بورگ آلبرشت*

۱۶۵

فقه و حقوق / سال سوم / شماره ۱۱ / زمستان ۱۳۸۵

چکیده

پس از یازده سپتامبر روئیه قانونگذاری در اروپا و آمریکا کاملاً تغییر کرده است و قوانین برای دستیابی به امنیت، تغییراتی اساسی در حقوق به خصوص حقوق جزای ماهوی و شکلی به وجود آورده‌اند. این تغییرات را می‌توان در کنترل و ایجاد محدودیت در زمینه مهاجرت پذیری و اعطای پناهندگی سیاسی و تغییر در قوانین کیفری شکلی و ماهوی مشاهده کرد. پس از این حادثه به خصوص در آمریکا شاهد شکل‌گیری حقوق جزای دشمن محور هستیم که از مبانی حقوق جزای کلاسیک و شهروند محور فاصله می‌گیرد. علاوه بر این تغییرات، ما شاهد جرم‌انگاری اعمال مجرمانه و شکل‌گیری روشهای کشف جرم جدیدی هستیم که قبل از این سابقه نداشته است. در این مقاله نویسنده به تفصیل به مبانی قانونگذاری و روندهای قانونگذاری ضد تروریسم می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تروریسم، خطر، قانونگذاری، حقوق جزای دشمن محور، حقوق جزای شهروند مدار.

-
- * رئیس مؤسسه حقوق جزا و جرم‌شناسی ماکس پلانک آلمان و عضو پیوسته هیأت علمی دانشگاه تهران - پردیس قم.
** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ دانشگاه تهران - پردیس قم.
*** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ دانشگاه تهران - پردیس قم (Majid.Beyge@gmail.com).

۱. مقدمه

پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، سازمانهای بین‌المللی، فراملی و مجالس قانونگذاری ملی، روند جدیدی را آغاز نمودند که برای مردم آلمان آشنا بود: روندی که آن را در دهه هفتاد تجربه کرده بودند و امروزه ما آن را با عنوان تروریسم آلمانی می‌شناسیم. البته نمونه‌های تاریخی دیگری نیز می‌توان در سایر کشورهای اروپایی مشاهده کرد. به عنوان مثال تصویب قانون پیشگیری از تروریسم (اکتبر ۱۹۸۴) که در پی بمب‌گذاری در بیرمنگام* در نوامبر ۱۹۸۴ به تصویب رسید یا قوانینی که در فرانسه پس از ارتکاب برخی فعالیت‌های تروریستی در سالهای ۱۹۸۴، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ تصویب شدند (Walker, 1992: 31; Hermant/Bigo 2000).

واکنش‌های تقنینی به تروریسم آلمانی، که به «قانونگذاری ضد تروریسم» معروف است، نشان‌دهنده واکنش سریع به این فعالیت‌هاست، که می‌تواند بیانگر میزان آمادگی و فعالیت دولتها در برابر این پدیده باشد. علاوه بر این، عکس‌العمل‌های مزبور بیانگر عدم وجود فاصله بین قانونگذاری یک کشور و شعب اجرایی آن کشور است (Belit / Dreien, 1984: 258). در قانون ضد تروریسم آلمان در دهه هفتاد، شاهد تصویب قانونی جزایی با رویکرد سیاسی هستیم که شامل مباحثی مبنایی پیرامون تروریسم است، به ویژه با توجه به این مسئله که چگونه باید حامیان تروریسم را از کسانی که به واکنش دولت به تروریسم انتقادی مشروع می‌کنند تفکیک کرد. این امر باعث ایجاد برچسب هو دار** تروریسم و بحث‌های سیاسی مؤثر در این زمینه شد. البته مناظرات سیاسی پس از ۱۱ سپتامبر نسبت به مناظرات سیاسی دهه شصت جنبه جنجالی کمتری داشته است. برعکس، مناظرات مذکور پس از ۱۱ سپتامبر، نشان‌دهنده نبود بحث‌های اصولی، به ویژه مباحث مرتبط با قانونگذاری ضد تروریستی و حقوق بشر است (نگاه کنید به: شورای اروپا ۲۰۰۴). بنابراین نهادینه کردن اصولی در جهت رعایت حقوق اساسی انسانها در هنگام تصویب قوانین ضد تروریستی، امری کاملاً بدیهی است (Crelinsten / Ozkut, 2000: 261). آنچه به ویژه اخیراً در مناظرات مطرح شده، محدودیتهای بازجویی و مشروعیت شکنجه است (Bowden: 2003).

* Birmingham.

** Label of "sympathizers of terrorism".

آنچه در رأس سیاستهای کیفی در سطح بین‌المللی به منظور مقابله با تروریسم قرار گرفته است، همکاری و وحدت چارچوبها و موازین قانونی و ابزارهای اجرایی آن است. این همکاری و وحدت، ما را به سمت ایجاد سیاستی جامع تحت عنوان «رضایت اجباری»^{*} سوق می‌دهد (Sack, 1999: 10). چنان‌که موضوعاتی از قبیل امنیت، ثبات و خشونت، در رأس سایر موضوعات قرار می‌گیرند. سیاست رضایت اجباری، آشکارا از سوی قطعنامه شماره ۱۳۷۳ شورای امنیت مورد تشویق قرار گرفته است، تا آنجا که می‌توان به راحتی میان سیاستهای تروریسم در دهه هفتاد و هشتاد میلادی و سالهای پس از ۱۱ سپتامبر، ارتباط برقرار کرد (Tolmein: 2002).

ظرف مدت بسیار کوتاهی، قوانینی همچون قانون پاتریوت^{**} در آمریکا در ۲۱ اکتبر سال ۲۰۰۱، قانون ضد تروریسم، جرم و امنیت در انگلیس در سال ۲۰۰۱ (که توسط قانون تروریسم ۲۰۰۶ اصلاح شده است)، قانون شماره ۸۳ مجارستان در سال ۲۰۰۱ و یا قانونی مبتنی بر اقدامات ویژه علیه تروریسم در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۱ در ژاپن، به تصویب رسیدند. قوانین یاد شده از نظر ساختار، مشابه یکدیگرند. قوانین مذکور در برخی مواقع بیانگر مفاهیم و مضامینی هستند که این مفاهیم، بخشی از ساختار برنامه‌های سیاسی محسوب می‌شوند. از طرفی برنامه‌های سیاسی مذکور متضمن امنیت ملی و فراملی هستند. این قوانین برای دستیابی به امنیت، تغییراتی اساسی در حقوق جزای ماهوی و شکلی به وجود آورده‌اند (Tolmein, 2002: 89; Grassle-Munscher, 2002: 107). این تغییرات را می‌توان در ظهور حقوق جزایی دشمن محور و فاصله گرفتن از مفاهیم سنتی و اصول حقوق جزای شهروندمدار^{***} که از سوی کشورهای لیبرال پذیرفته شده است، مشاهده کرد (Jakobs: 2000; Kunz, 2001: 403). این تغییرات همچنین میزان اهمیت جرائم سازمان یافته فراملی را در سطح سیاستگذاری ملی و فراملی، نشان می‌دهد.

در همکاریهای بین‌المللی از یک سو شاهد جایگاه برجسته پلیس و سرویسهای مخفی بوده و از سوی دیگر شاهد اهمیت مفهوم پیشگیری و عدول از حقوق جزای سنتی

* Forced Consent.

** Patriot.

*** Civil Criminal Law.

سرکوبگر هستیم (Sack: 2001). در نهایت، سیاستهای ضد تروریستی در جهت برقراری امنیت، موجب اختصاص بودجه بیشتری به این امر شده است. از این رو سرمایه‌گذاری در زمینه سازمانهای پلیسی و سرویسهای مخفی افزایش یافته است. به عنوان مثال، کانادا پس از واقعه ۱۱ سپتامبر برای برقراری امنیت، میزان ۱/۶ میلیارد دلار به بودجه خود افزود (Parent, 2002: 53). بیشتر این بودجه‌ها، عموماً صرف سیاستهای سرکوبگرانه شده و به مسئله پیشگیری توجهی نشده است.

واکنشهای احتمالی کشورها به فعالیتهای تروریستی تابع قلمرو اختیارات دولتهاست. واکنشهای مزبور را می‌توان در قالب وضع قوانین ویژه، برقراری حکومت نظامی، عملیات پنهانی سرویسهای مخفی و یا تعدیل اسناد قانونی سنتی به منظور مرتفع کردن نیازهای موجود در هنگام مبارزه با تروریسم، مشاهده کرد (Hoffman / Morrison-Taw, 2000: 3). قوانین جدید ضد تروریستی دربرگیرنده نشانه‌های قانونگذاری اضطراری* هستند.

بنابراین قوانین جدید ضد تروریستی، آشکارا با حقوق بشر در تعارض‌اند (GroB: 2002; Council of Europe: 2004). از سوی دیگر، قوانین مذکور در هنگام رویارویی با قوانین حقوق بشر، ارائه‌کننده راه‌حلهایی هستند که این راه‌حلها نیز با حقوق اساسی*** افراد در تعارض قرار می‌گیرد. این مطلب در قوانین ضد تروریستی انگلستان پس از وقایع ۱۱ سپتامبر قابل مشاهده است. قانون امنیت، جرم و ضد تروریسم مصوب سال ۲۰۰۱، اختیارات وسیعی را برای بازداشت افراد خارجی متهم به ارتباط با گروهها و یا فعالیتهای تروریستی که استرداد آنها به دلیل محدودیتهای موجود در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر غیرممکن بوده (هنگامی که فرد در صورت استرداد به کشور خود در معرض مجازات اعدام، مرگ یا شکنجه قرار گیرد، بر اساس کنوانسیون مزبور قابل استرداد نمی‌باشد) و یا به دلیل فقدان مدارک و شواهد کافی، محاکمه آنها ممکن نمی‌باشد، معین کرده است. در این مورد تنها مراجع قانونی تجدید نظر نسبت به قرارهای بازداشت صادره، کمیسیون تجدید نظر مهاجرتهای ویژه*** (SIAC) است که به کلیه اطلاعات موجود در وزارت کشور دسترس دارد.

* Emergency legislation

** Basic Rights.

*** Special Immigration Appeals Commission.

۲. مجموعه راهبردهای تنظیم شده به وسیله سیاستهای بین‌المللی و اروپایی

قوانین تصویب شده پس از ۱۱ سپتامبر، خط‌مشی‌های کلی‌ای را مشخص می‌کنند که در اصل سیاستهای جدیدی نیستند، بلکه از اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز شده‌اند. این خط‌مشیها به وسیله قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل متحد از یک سو و قطعنامه‌های منطقه‌ای، قطعنامه‌ها و تصمیمات اتحادیه اروپا و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی* از سوی دیگر، ترسیم می‌شوند. این دستورات عملی با موضوعاتی همچون کنترل جرائم سازمان یافته فراملی، پول‌شویی و مهاجرت‌های غیرقانونی مرتبط هستند. قوانین ضد تروریستی، به روشنی مبنی قطعنامه‌های شورای امنیت هستند، همان قطعنامه‌هایی که پس از وقایع ۱۱ سپتامبر اهمیت بسزایی یافته‌اند (به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳).

قوانین ضد تروریستی، تقریباً به همه جای جهان راه یافته است. اختلافات شدید در ایرلند شمالی، زمینه‌ای برای تصویب قوانین مرتبط با تروریسم در بریتانیای کبیر شده است (Sarma: 2005). در اسپانیا، خشونت‌های مربوط به ETA در ایالت باسک، علت تصویب چنین قوانینی بوده‌اند. ایتالیا در سالهای ۱۹۷۰ با افراطیون جناح راست و چپ و مافیا مواجه شد. برخی از فعالیتهای تروریستی در فرانسه که مربوط به جنگ الجزایر بر سر استقلال بود، موجب پیدایش چنین قوانینی در فرانسه شد. در هندوستان نیز وجود اختلافات شدید در کشمیر منجر به وضع قوانین ویژه‌ای شده است. در روسیه، وجود اختلافاتی در چین موجب تصویب قوانین ضد تروریستی خاصی شده است. همچنین کانادا مجبور به پذیرفتن و کنار آمدن با خشونت‌های جدایی‌خواهان در ایالت کبک شده است. سریلانکا نیز مدت زیادی، درگیریهای شدیدی با جنبش جدایی طلب تامیل داشته است. در آلمان قوانین مشابهی به دلیل فعالیتهای تروریستی RAF و تشکیلات جایگزین در فاصله سالهای ۱۹۷۰ وضع و به اجرا درآمد (Berlit / Dreier: 1986). در آغاز سالهای ۱۹۹۰ در ترکیه، قانونی برای تحت فشار قرار دادن کردهای پ.پ.ک. وضع شد. در ایالات متحده آمریکا، در پاسخ به بمب‌گذاری در شهر اوکلاهما در آوریل ۱۹۹۶، پیش‌نویس قانون ضد تروریسم و مجازات مرگ مؤثر** در سال ۱۹۹۶، تصویب شد و به اجرا درآمد.

۱۶۹

فقه و حقوق / تروریسم: خطر و قانونگذاری

* OECD.

** Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act of 1996.

قوانین بین‌المللی که هدف اولیه از وضع و تصویب آنها، کنترل جرائم فراملی، پول‌شویی و مهاجرت غیرقانونی بوده است، به عنوان هسته اولیه قوانین ضد تروریستی پس از ۱۱ سپتامبر تلقی می‌شوند (Albrecht / Fijnaut: Albrecht: 2002; Huber: 2002; Militello / Arnold / Papli: 2001 2002).

قوانین ضد تروریستی، تبدیل به بخشی از قوانین امنیتی شده که از دیدگاه کشورهای صنعتی و به ویژه کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، در واکنش به مسائل و مشکلات برخاسته از مهاجرت، جرائم فراملی، جرائم تجاری، پول‌شویی و اقتصاد در سایه، وضع و مقرر می‌شوند. این قبیل قوانین و مقررات، در واقع حرکت به سوی امنیت است. قوانین ضد تروریستی به جز ویژگیهای مقطعی، مشکلات اساسی را به همراه می‌آورند. این قوانین به دلیل اینکه آزادی و فضاهای عمومی را به عنوان خطرات بالقوه‌ای محسوب می‌کند، به نوعی مخل حقوق شهروندی بوده و مورد سوء ظن عموم قرار می‌گیرد. موضوعاتی چون مهاجرت، پناهندگی، سازمانها و انجمنهای مذهبی، جنبشهای سیاسی، اقلیتهای مذهبی، اتباع خارجی و اقلیتهای و مؤسسات بین‌المللی و شرایط محیط کار، موضوعاتی هستند که به نوعی با تهدیدات امنیتی مرتبطاند و باید به طور نسبی تحت نظارت و محدودیت قرار گیرند.

عموماً کشورهای واکنشی به وقایع ۱۱ سپتامبر از طریق وضع قوانین آشکار ضد تروریسم نشان نداده‌اند، اما برخی از کشورها در مسیر کنترل جرائم بین‌المللی، پول‌شویی و مهاجرت قرار گرفته‌اند و این مسیر می‌تواند به راحتی تروریسم را کنترل کند. به ویژه امروزه در چارچوب کاری اتحادیه اروپا، تغییرات ایجاد شده در سیاستهای مربوط به مهاجرت برای کنترل تروریسم بسیار مناسب بوده است. در اینجا می‌توان به دستورها و رهنمودهایی که منجر به تأسیس یوروداک* شده (که از ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰ اجرایی شده است) اشاره کرد که در آن اطلاعات شخصی مربوط به افراد جمع‌آوری می‌شود. از طرف دیگر این سیستم به راحتی می‌تواند به منظور کنترل افراد یا گروههای افراطی یا تروریستی نیز به کار گرفته شود. سازمان ملل متحد، همانند سایر سازمانهای منطقه‌ای، مانند آ.س.آن. اتحادیه عرب، اتحادیه اروپا و شورای اروپا، کنوانسیون‌هایی را با هدف کنترل بیشتر تروریسم تصویب

* Eurodac.

کرده‌اند. اولین قانون ضد تروریسم سازمان ملل مربوط به سال ۱۹۷۰ است. بعد از این، قطعنامه‌های سازمان ملل به حمایت از جرائم ارتكابی علیه کارمندان سفارتخانه‌ها، حفاظت از مواد هسته‌ای، کنترل فعالیتهای تروریستی که با مواد منفجره ارتكاب می‌یافتند و کنترل پول‌شویی به منظور کمک مالی تروریسم گسترش یافتند.

از ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۵ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب و منع فعالیتهای تروریسم هسته‌ای برای امضای دولتها باز بوده است. در حال حاضر نیز پیش‌نویس کنوانسیون در مورد کنترل تروریسم بین‌المللی در سازمان ملل تهیه شده است.

قوانین بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر، آشکارا با قطعنامه‌های شورای امنیت به ویژه قطعنامه شماره ۱۳۷۳ مورخه ۲۰۰۱/۹/۲۸ در ارتباط است. این قطعنامه از تمامی کشورها درخواست می‌کند که اقداماتی را برای شناسایی تروریستها از طریق مسائلی چون نظارت بر مهاجرت، پیشگیری از جعل روادید و همچنین بررسی وضعیت قربانیان فعالیتهای تروریستی انجام دهند. همچنین خواستار تبادل مؤثر اطلاعات مرتبط با تروریسم و کنترل مؤثر فعالیتهای مالی تروریستی در سطح بین‌المللی شده است. بر اساس قطعنامه یاد شده، کمیته مبارزه با تروریسم، مسئول نظارت بر اجرای صحیح قطعنامه ۱۳۷۳ است. در نهایت، کشورهای عضو، موظف به ارائه گزارشی ظرف مدت نود روز پیرامون اجرای قطعنامه شورای امنیت شده‌اند.

در چارچوب اتحادیه اروپا، از تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۸، دستورالعمل شورای عمومی* باید به مورد اجرا گذارده شود. این دستورالعمل خواستار هماهنگی قوانین در زمینه جرم‌انگاری شرکت در سازمانی مجرمانه است. این پیشنهاد مربوط به همکاری در زمینه نظارت بر فعالیتهای پول‌شویی با هدف کنترل فعالیتهای مالی تروریستی می‌شود. بلافاصله پس از ۱۱ سپتامبر، شورای اروپا طرحی را مورد تأکید قرار داد که در آن به اهمیت کنترل تروریسم در سطح بین‌المللی اشاره شده بود. برای تسریع و تقویت همکاری قضایی و پلیسی (به ویژه از طریق معرفی و ارائه حکم جلب اروپایی)**، سازمانی ضد تروریستی در یوروپل ایجاد شده است که موجب افزایش تبادل اطلاعات بین اتحادیه اروپا و

* Common Council Directive.

** European Arrest Warrant.

آمریکای شمالی شده و تبادل اطلاعات را به یک اولویت تبدیل کرده است. همچنین این مسئله مطرح شده است که اصل بر کنترل مالی تروریسم بین‌المللی است. استراتژی جدید ضد تروریستی اتحادیه اروپا در بیانیه صادره از شورای اروپا در مورد مبارزه با تروریسم* (۲۵ مارس ۲۰۰۴) پس از بمب‌گذاری مادرید قابل مشاهده است. اجرای این برنامه نیازمند این است که کشورهای عضو دسته‌ای از جرائم تروریستی جدید را ارائه و معرفی نمایند. یکی دیگر از این تصمیمات اساسی از ۱۳ ژوئن ۲۰۰۲ مربوط به قانون حکم جلب اروپایی است که برای اعضای اتحادیه اروپا اجباری شده است و اعضا باید آن را در قوانین داخلی خود حداکثر تا تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۰۴ تنظیم و تصویب نمایند.

بنابراین اتحادیه اروپا قوانینی را وضع کرد که بر اساس آن از کشورهای عضو درخواست شده تا ابزارهای مالی و اقتصادی را تثبیت کنند و به ارزیابی سازمانهایی بپردازند که در پیوست برخی از قوانین، جزء گروههای تروریستی معرفی شده‌اند. با اینکه نه تنها این سازمانها با منابع مالی و اقتصادی تروریسم بین‌المللی سروکار دارند، بلکه همچنین در بخش پیوست، تعریفی را ارائه می‌کنند که علاوه بر پاسخ این سؤال که چه کسی تروریست بین‌المللی است، تعیین می‌کند که سازمان باید در برابر گروه تروریستی بین‌المللی چه واکنشی را نشان دهد.

شورای اروپا از می ۲۰۰۵ کنوانسیون پیشگیری از تروریسم و همچنین پول‌شویی و بررسی و توقیف عواید و درآمدهای ناشی از جرم و تروریسم را برای امضا مفتوح نگاه داشته است. در نهایت، فعالیت گروه ویژه اقتصادی، نقش مهمی در کنترل پول‌شویی ایفا کرده است. این نقشها تنها دربرگیرنده و مربوط به توسعه استانداردهای کنترل پول‌شویی نیست، بلکه شامل نظارت و ارزیابی قوانین بین‌المللی پول‌شویی و اجرای آن نیز می‌شود. این گروه ویژه در جلسه خود در ۲۹ و ۳۰/۱۰/۲۰۰۱ توصیه‌های ویژه‌ای در مورد تروریسم بین‌المللی ارائه داد که محور اصلی آنها، توسعه توقیف حسابهای بانکی، توقیف اموال و هماهنگ‌سازی ارکان و ویژگیهای جرائم مرتبط با تروریسم مالی بین‌المللی بوده است. همچنین توصیه‌هایی را در مورد وضع و اجرای استانداردهای ضد پول‌شویی در سیستمهای متفاوت مالی، ارائه کرد.

* Declaration on Combating Terrorism.

۳. مبانی قانونگذاری ملی ضد تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر

۳-۱. جرم‌انگاری مشارکت یا حمایت از یک سازمان تروریستی

قوانین پس از ۱۱ سپتامبر به وسیله جرم‌انگاری جرائم جدید و افزایش مجازات‌ها قابل تشخیص است. پیش از این، در کنوانسیون جرائم سازمان‌یافته فراملی، مجازات عضویت در یک سازمان مجرمانه به طور کلی بیان شده بود و از دولتهای عضو جرم‌انگاری آن خواسته شده بود (Albrecht/Fijnaut: 2002). اتحادیه اروپا نیز درخواست و نیاز خود را برای برنامه‌هایی مشابه برنامه مذکور اعلام کرده بود. همچنین شورای اروپا در پیشنهادهای کمیته وزیران کشورهای عضو، راهکارهایی برای مبارزه با جرائم سازمان یافته ارائه نموده است. با توجه به این موضوع، برخی مشخصه‌های جرائم مذکور از حالت‌های سنتی مشارکت مانند همدستی و شرکت، تحریک و یا حمایت‌های متداول به دور بوده و با این حالتها تفاوت دارند.

۱۷۳

فقه و حقوق / تروریسم: خطر و قانونگذاری

از سوی دیگر، تأسیس و حمایت از سازمانهای تروریستی، از ابتدا انتقادات قابل ملاحظه‌ای به همراه داشته است. جرم‌انگاری تشکیل و حمایت از یک گروه تروریستی اصولاً محدود به کشورهایی بوده است که درگیر این مسئله بوده‌اند. در اروپا، ما شاهدیم که آلمان، پرتغال، اسپانیا، فرانسه، انگلستان و ترکیه عضویت در سازمانی تروریستی و حمایت از آن سازمان را جرم تلقی می‌کنند. این در حالی است که ایتالیا در نتیجه حوادث پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، قانونی را وضع نمود که در آن عضویت در یک سازمان تروریستی بین‌المللی جرم‌انگاری شده است. بند ۲ پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل در خصوص تروریسم، ضابطه‌ای را بدین شرح مقرر می‌کند: اگر فردی مرتکب جرمی تروریستی شود و یا به هر نحوی در یک یا چند جرم از مجموعه جرائم مذکور در پاراگراف ۱، ۲ و یا ۳ که توسط گروهی از افراد و با هدفی مشترک انجام می‌دهند مشارکت نماید، این مشارکت باید عمدی و با هدف پیشبرد اهداف مجرمانه و با آگاهی از قصد گروه برای ارتکاب جرم باشد.

واضح است که این نوع عبارات خطرآفرینی را به همراه دارند، چرا که رفتاری را جرم‌انگاری کرده‌اند که باید از طریق اصل آزادی بیان مورد احترام قرار گیرد. در انگلستان

قانون تروریسم ۲۰۰۶ شامل مفادی است که ترغیب و تشویق در جهت انجام فعالیتهای تروریستی، پخش نشریات تروریستی، ارتکاب فعالیتهای تروریستی، آموزش و ورود به مکانهایی را که در آنجا به تروریستها آموزش داده می‌شود، قابل مجازات می‌داند.

۲-۳. تأمین مالی تروریسم بین‌المللی

قانون ضد تروریستی روندی را طی می‌کند که این روند بیانگر جرم‌انگاری مستقل تأمین مالی تروریسم بین‌المللی است. با توجه به افزایش شدت مجازات تأمین مالی تروریسم، مشاهده می‌کنیم که در استرالیا بر اساس لایحه منع حمایت و تأمین مالی تروریسم (۲۰۰۲)، این جرم تا ۲۵ سال حبس داشته، در حالی که بر اساس قانون ضد تروریسم این مقدار به حبس ابد افزایش یافته است. در فرانسه نیز شاهد شدت گرفتن مجازاتها هستیم.

بنابراین، این سؤال بسیار مهم و حائز اهمیت است که چگونه و بر اساس چه اطلاعاتی مبالغی که به عنوان کمکهای خیریه به گروههای مذهبی داده می‌شود، سر از سازمانهای تروریستی در می‌آورد. با توجه به این نکته، قانون کنترل پول‌شویی بسیار مهم و مرتبط است. حال آنکه تاکنون، قانون کنترل پول‌شویی بیشتر متوجه داراییهایی بود که از فعالیتهای مجرمانه ناشی شده بودند، اما در حال حاضر باید به آن دسته از پولها و معاملاتی توجه شود که بودجه‌های آینده تروریست را فراهم خواهند کرد. با چنین رویکردی، سوء ظن به مؤسسات مالی، شرکتهای و افراد و نیز نیاز به جمع‌آوری اطلاعات افزایش می‌یابد.

۳-۳. جرائم تروریستی خاص: شرایط لازم و اوضاع و احوال مشدده

چارچوب تصمیمات اتحادیه اروپا در ۱۳ ژوئن ۲۰۰۲ پیرامون مبارزه با تروریسم مستلزم این است که کشورهای عضو، جرائم تروریستی را طبقه‌بندی کنند. بر اساس این چارچوب تصمیماتی، مجرمان تروریستی کسانی هستند که با اهداف جدی در جهت ایجاد ارباب و وحشت در مردم و بی‌ثباتی در دولتها و سازمانهای بین‌المللی، از طریق تضعیف و برهم زدن ارکان سیاسی، قوانین اساسی، اقتصادی و ساختار اجتماعی یک کشور یا سازمانی بین‌المللی، فعالیت می‌کنند.

در صورتی که به عنوان مثال قانون جزای آلمان، قوانین ویژه و مستقلی درباره تروریسم ارائه نکرده است، برخی از کشورهای دیگر، قوانین مستقلی برای جرائم تروریستی مقرر کرده‌اند. در فرانسه، ماده ۱-۲۱ قانون جزا، مجازات آن دسته از جرائمی را که با هدف افزایش ترس و وحشت و تهدید در جامعه و بر هم زدن نظم عمومی، ارتکاب می‌یابد تشدید کرده است. قانون تروریسم انگلستان (۲۰۰۰) شامل موادی است که آن دسته از جرائمی را که به منظور تأثیر بر حکومت و دولت و یا به منظور ایجاد ترس در جامعه و یا بخشی از جامعه، با هدف رسیدن به اهداف سیاسی و مذهبی و ایدئولوژیکی ارتکاب یافته باشد، به عنوان فعالیتهای تروریستی قلمداد می‌کند (Walker, 2000: 8). دانمارک نیز جرائم ویژه‌ای را در قانون ضد تروریستی (۳۱ می ۲۰۰۲) آورده است. با وجود این قوانین مستقل، جرائم ضد تروریستی، بر تعاریف سنتی که مبتنی بر انگیزه و پیگیری اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی است، متمرکز است. در اکثر کشورها مجازات اعدام لغو و مجازات حبس ابد جایگزین آن شده است. اما آن دسته از کشورهایی که مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند، ممکن است اعدام را برای فعالیتهای تروریستی مقرر کنند، که تعداد این کشورها به طور چشم‌گیری رو به افزایش است. وضع قوانین ویژه و جداگانه ضد تروریستی روندی بین‌المللی برای جرم‌انگاری جرائم ناشی از نفرت* را تقویت کرده است، که این مطلب به معنای افزایش شدت مجازات بر مبنای انگیزه‌ای است که فعالیتهای خطرناک با آن انگیزه ارتکاب یافته‌اند. به هر حال، تروریسم داخلی و بین‌المللی ممکن است به عنوان «جرائم علیه دموکراسی» تصور شود (Saul, 2003: 330-333).

۳-۴. حفاظت از تأسیسات آسیب‌پذیر جوامع

ما همچنین می‌توانیم در قوانین پس از ۱۱ سپتامبر روندی را در جهت توسعه و گسترش تعریف جرائم تروریستی مشاهده کنیم، چرا که این جرائم شامل خرابکاری در سیستمهای بسیار حساس و آسیب‌پذیر اجتماع است (همانند شبکه‌های اطلاعاتی و سیستمهای امنیتی). با توجه به این مطلب، به عنوان مثال جرائم الکترونیکی (هک کردن، خرابکاری کامپیوتری) نیز در اصل از زمره فعالیتهای تروریستی محسوب می‌شوند.

* Hate Crime.

۳-۵. قانونگذاری از طریق فهرست* (کاتولگ)

در نهایت، روند خاصی به سوی وضع نوعی از قوانین در زمینه تروریسم وجود دارد که به قانونگذاری در مورد مواد مخدر شباهت دارد. در تعریف گروههای تروریستی، برخی از کشورها از طریق فهرستی که از سوی وزارت کشور یا دادگستری تنظیم شده و به قوانین ضد تروریستی پیوست شده است، گروههای تروریستی را تعریف می‌کنند، بدون اینکه در این مورد از مشارکت پارلمان استفاده نمایند. برخی دیگر از کشورها تصمیم گرفته‌اند که چنین فهرستی را ارائه ندهند و تعریف تروریسم و تروریست را به دستگاه قضایی محول نمایند.

اما سیاست اتحادیه اروپا (همان‌طور که در بالا توضیح داده شده) در تعریف تروریسم بین‌المللی، سیاست خطرناکی است. در جایی که نظارت مجلس قانونگذاری و دستگاه قضایی در حاشیه قرار گرفته، در حقیقت این قدرتهای اجرایی‌اند که در این مورد که چه سازمانها و افرادی به عنوان سازمانهای بین‌المللی تروریستی و یا تروریستهای بین‌المللی محسوب می‌شوند، تصمیمات اساسی را می‌گیرند.

۳-۶. پول‌شویی و کمکهای مالی

در مطالب بالا، به نحوی بر اهمیت کنترل پول‌شویی و تأمین مالی فعالیتهای تروریستی اشاره شد. مبارزه با پول‌شویی به صورت بین‌المللی، هدف اصلی کنترل جرائم سازمان یافته و بین‌المللی از تاریخ صدور قطعنامه ۱۹۹۸ سازمان ملل است.

دومین دستورالعمل پول‌شویی اتحادیه اروپا، تعهدات و وظایف جدیدی برای وکلای خصوصی، سردفترداران، حسابداران و دیگر مشاغل مشابه ایجاد می‌کند که به طور کلی وظایف بخشهای خصوصی برای مشارکت در امر پیشگیری و سرکوب جرائم اقتصادی را برجسته‌تر می‌سازد. علاوه بر این، این تعهدات، روابط حرفه‌ای محرمانه را (که آشکارا مانعی در راه اجرای قانون تلقی می‌شوند) نقض می‌کنند.

سومین دستورالعمل اتحادیه اروپا ظرف تقریباً دو سال اخیر به اجرا گذاشته شده است. در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۵ اتحادیه اروپا، سومین دستورالعملی را که جایگزین دستورالعملهای ۱۹۹۱ و ۲۰۰۱

* Legislation by catalogues.

می‌باشد پذیرفت و کنترل پول‌شویی را به طور قابل ملاحظه و چشم‌گیری مورد توجه قرار داد. مطابق این دستورالعمل، همه کسانی که در زمینه کالاهای گران‌قیمت فعالیت می‌کنند، باید شناسایی شوند و هویت خریداران آنها مشخص شود و هر معامله مشکوکی باید گزارش شود و برای جلوگیری از پول‌شویی، معاملات بالای پانزده هزار یورو باید تحت کنترل قرار گیرند.

۷-۳. افزایش اختیارات پلیس و سرویسهای مخفی

وضع قوانین ضد تروریستی اختیارات جدیدی را به سرویسهای مخفی و پلیس مخفی داده است. به ویژه به این نیروها (پلیس و سرویسهای مخفی) اختیار جمع‌آوری اطلاعات پیرامون مسائل مالی تروریسم، از جمله کسب اطلاعات از بانکها و مؤسسات مالی داده شده است. به عنوان مثال در آلمان، اداره فدرال تحقیقات جنائی (بوندسکریمینالمت)^{*} به دادستان عمومی اجازه می‌دهد به منظور جمع‌آوری اطلاعات از بانکها و دیگر مؤسسات مالی در جهت تحقیقات کیفری، به صورت مستقل عمل کند. از جمله اختیارات جدید، اختیار کسب اطلاعات از شرکتهای مخابراتی و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی است (Malcolm/Barke: 2002). اتحادیه اروپا در حال حاضر استانداردهای متداول و معمولی را برای حفاظت از اطلاعات مخابراتی با صدور و اجرای دستورالعملی در مورد حفاظت از اطلاعات مخابراتی، تنظیم نموده است (بین ۶ ماه و ۲ سال).

وضع قوانین جاری موجود در اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، نشان می‌دهد که قانونگذاران به تأمین‌کنندگانی نیاز دارند که از جریان اطلاعات برای مدت زمان بیشتری نگهداری نمایند.^{**} همچنین باید برای آنها تعهداتی ایجاد کرد که سیستمهایی را تأسیس و نگهداری نمایند که به وسیله آنها بتوان اطلاعات مخابراتی را تفسیر نمود (Albrecht/Dorsch/Krüpe: 2003).

۸-۳. همکاری و تبادل اطلاعات

وضع قوانین ضد تروریستی به صورت بین‌المللی، روابط بین سرویسهای مخفی و عوامل اجرای قانون (به ویژه پلیس) و روابط بین چنین عواملی با مقامات مالیاتی و دیگر

* Bundeskriminalamt (Federal Bureau Of Criminal Investigation).

** منظور از حفاظت از جریان اطلاعات، حفظ اطلاعات برای مدتی معقول است.

مؤسسات عمومی اجرای قانون (مانند سازمانهای کنترل پولشویی و معاملات) را تغییر داده است. در این میان، گرایش در جهت کارآمدی و تبادل نامحدود اطلاعات کاملاً آشکار است. بنابراین، حادثه ۱۱ سپتامبر این روند را که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شده بود شتاب بخشیده و به دلیل همان مشکلات خاصی که در مورد کنترل جرائم سازمان یافته وجود دارد، توجیه کرده است.

به ویژه در آلمان، بین اختیارات سرویسهای مخفی و پلیس مخفی، همواره رابطه سیاسی ویژه‌ای وجود داشته است. در این زمینه، قوانین کنترل تروریسم تغییراتی را ایجاد کرده‌اند که از یک سو شامل توسعه اختیارات سرویسهای مخفی و از سوی دیگر شامل قوانین جدید ارتباطی و تبادل اطلاعات بین سرویسهای مخفی، پلیس مخفی و دیگر مؤسسات عمومی است. اخیراً، به عنوان مثال، قانون تبادل اطلاعات بین مسئولین امور مهاجرت و سرویسهای مخفی به تصویب رسیده است. در حال حاضر در کانادا، قوانین ضد تروریستی اجازه می‌دهند که بین سرویسهای مخفی و مؤسسات کنترل پولشویی تبادل اطلاعات صورت گیرد. قانون پاتریت آمریکا (۲۰۰۱) تبادل اطلاعات بین سرویسهای مخفی و مقامات اجرای قانون را افزایش داده است. این تبادل اطلاعات در دهه هفتاد محدود بود. از دیدگاه امنیت ملی، رویکردهای کنونی در جهت کنترل جرائم سازمان یافته و فراملی و همچنین پولشویی منجر به ایجاد نظام هماهنگی شده است که شامل سرویسهای مخفی، گمرک، پلیس مرکزی و محلی، کنترل پولشویی و کنترل نظامی است.

۳-۹. توسعه شیوه‌های فنی و جدید تحقیقاتی

توسعه شیوه‌های جدید تحقیقاتی را می‌توان (به ویژه) در زمینه نظارت الکترونیکی و کنترل ارتباطات مشاهده کرد. بنابراین وضع قوانین ضد تروریستی در این زمینه، می‌تواند بر اساس قوانینی باشد که در طی سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ وضع شده است. توسعه نظارت الکترونیکی به طور معمول، قسمتی از قوانینی بود که قبل از ۱۱ سپتامبر علیه جرائم سازمان یافته یا تروریسم وضع شده بودند. برخی از شیوه‌های تحقیقاتی نقش ثابتی را در قطعنامه سازمان ملل در مورد کنترل جرائم سازمان یافته ایفا می‌کنند. کنترل جریان اطلاعات ارتباطی توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. بر اساس طرح آلمان که به تازگی

پدیدار شده است، جریان اطلاعات باید برای استفاده توسط مقامات اجرای قانون، به وسیله تأمین کنندگان خدمات ارتباطی به مدت شش تا دوازده ماه حفظ شوند. اتحادیه اروپا در حال حاضر پیش‌نویسی را در خصوص حفاظت از جریان اطلاعات آماده نموده است. در جلسه اکتبر ۲۰۰۵ بر سر این موضوع به توافقی جمعی رسیدند که اطلاعات تلفنی باید از سوی تأمین کنندگان و ارائه دهندگان خدمات ارتباطی حداقل به مدت یک سال و اطلاعات اینترنتی به مدت شش ماه حفظ و نگهداری شوند. بیشترین زمان حفاظت و نگهداری از اطلاعات نیز باید دو سال باشد.

استفاده از چنین اطلاعاتی در تحقیقات کیفی، موجب انتقاداتی به این موضوع به ویژه در آمریکا و انگلستان شد. این انتقادات بدین مضمون‌اند که این روش‌های تحقیقاتی، عموم را در معرض سوء ظن به ارتکاب جرم قرار می‌دهد و نهایتاً موجب تبعیض می‌شود.

۳-۱۰. بازداشت و توقیف

۱۷۹

قده و حقوق / تروریسم: خطر و قانونگذاری

قدرت کنترل فیزیکی از طریق بازداشت از یک سو و حبس پیشگیرانه* (بازداشت اداری)** از سوی دیگر، نتیجه وضع قوانین جدید ضد تروریستی است. این تغییرات معمولاً بر قوانین مهاجرت مؤثر هستند. هم‌اکنون در انگلستان و آمریکا بازداشت مهاجرین و اتباع بیگانه ابزارهایی هستند که در پی آن، ممکن است افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی برای مدتی طولانی و نامشخص بازداشت شوند. حال آنکه اخیراً یک دادگاه انگلیسی رأی داد که قوانین وضع شده درباره تروریسم در انگلستان، حقوق اساسی اتباع خارجی را نقض می‌کند، تا آنجا که با آنها به صورت متفاوت برخورد می‌شود. از این رو، طبق نظر دادگاه، اصل تساوی مجازات‌ها نقض می‌شود. قانون ۲۰۰۶ پیشگیری از تروریسم، اهرم بازداشت را لغو کرده و به جای آن، محدودیتهای مختلفی برای آزادی رفت‌وآمد و دیگر آزادیها پیش‌بینی کرده است (این قبیل دستورهای کنترلی در استرالیا و در قانون ضد تروریستی ۲۰۰۵ لحاظ شده است). علاوه بر این، در این قوانین ممکن است که اشکال جدید بازداشت و نگهداری مظنونان و متهمان و روش‌های سرّی تحقیقاتی در نظر

* Preventive Internment.

** Administrative Detention.

گرفته شده باشد. اصلاح بخشی از اختیارات به منظور ایجاد حبس انفرادی برای بازداشت شدگان است.

قوانین بشردوستانه بین‌المللی که در قطعنامه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل الحاقی ۱۹۹۷ بیان شده‌اند، به عنوان چارچوبی قانونی و رسمی برای مبارزه با تروریسم و انواع جنگهای کوچکی که در این چند دهه اخیر پدید آمده‌اند، کافی و مناسب نیستند. این بدان معناست که با تأکید بیش از حد بر «مخاصمات مسلحانه»، تنها شرایطی همانند آنچه در افغانستان، سومالی، کونگو و در بسیاری از جاهای دیگر روی داد، مفهومی معادل با مفهوم سنتی «مخاصمات مسلحانه» پیدا خواهند کرد (Sassoli: 2004). بنابراین، برداشتن کلاشینکف توسط هزاران جوان آماده برای درگیر شدن در خشونت، برای تحقق مفهوم «مخاصمات مسلحانه» کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه می‌توان آن را جزء خشونت‌های خیابانی بزرگ به حساب آورد. علاوه بر این، در متن قوانین ضد تروریستی روند قطعی و دقیقی در جهت ازدیاد مدت زمان بازداشت از سوی پلیس، قابل مشاهده است.

۳-۱۱. قوانین مربوط به مهاجرت و پناهندگان

یکی دیگر از جنبه‌های مهم قانونگذاری ضد تروریستی، تغییر در قوانین مربوط به مهاجرت است. خواسته جامعه بین‌المللی پیشگیری از سوء استفاده‌هایی است که از قوانین مربوط به پناهندگی و مهاجرت می‌شود. نتایج و پیامدهای قانونی این امر از یک سو شامل ارائه و معرفی روشهای شناسایی دقیق اتباع بیگانه و از سوی دیگر شامل گسترش زمینه‌های اخراج آنان است. به عنوان مثال در دانمارک قوانینی وضع شده‌اند که به موجب آن چنانچه اتباع خارجی تهدیدی برای امنیت سایر کشورها (غیر از دانمارک) محسوب شوند، دولت اجازه دارد آنها را اخراج کند. یا در آلمان ما از یک سو شاهد لغو امتیاز فعالیت‌های مذهبی در انجمنهای خصوصی هستیم و از طرف دیگر، ممنوعیت اداری فعالیت انجمنهای اتباع خارجی تسهیل شده است.

بنابراین، کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در اخراج یک تبعه خارجی باید ممنوعیتهای عمومی را در نظر بگیرند. به عبارت دیگر، آنها در هنگامی که تبعه خارجی در صورت اخراج در معرض مجازات مرگ، اعدام یا شکنجه قرار دارد، نمی‌توانند وی را اخراج نمایند (ماده ۳). در حال حاضر اتباع خارجی یا جویندگان پناهندگی که متهم

به تروریسم شده‌اند، در اکثر موارد اتباع کشورهای هاستند که در این خصوص برای آنها مجازات اعدام وضع شده است (مانند کشورهای عربی، پاکستان، شوروی سابق، چین، هندوستان)، این اشخاص نه تنها از طریق منع اخراج حمایت می‌شوند، بلکه در خصوص همکاریهای پلیسی - قضایی در تحقیقات کیفری نیز در مورد این افراد محدودیتهایی وجود دارد. بر طبق اسناد بین‌المللی، اگر کسی مرتکب جرائم علیه صلح و امنیت، جرائم جنگی، جرائم بر ضد بشریت یا جرائم غیرسیاسی شدید شود، به وی حق پناهندگی داده نمی‌شود یا درخواست وی رد خواهد شد.

قوانین ضد تروریستی اروپا در تنگنا قرار گرفته‌اند، زیرا از یک طرف افزایش همکاریها، جزء مهمی از سیاستهای ضد تروریستی است، اما از طرف دیگر ملاحظات حقوق بشری، محدودیتهای بیشتری را بر همکاریهای بین‌المللی تحمیل می‌کند.

۴. قانون جزای دشمن‌مدار* و مبارزه با تروریسم

مبارزه با جرم، موضوع جدیدی نیست. قوانین پس از ۱۱ سپتامبر شرایطی را ایجاد کرده‌اند که در آن مبارزه با تروریسم نه تنها توسط پلیس، دادستان، مقامات قضایی و اصلاح قوانین جزایی انجام می‌شود، بلکه نیروهای نظامی و سرویسهای مخفی و جاسوسی نیز در این مبارزات دخیل‌اند. کاملاً واضح است که در این شرایط مفهوم امنیت ملی و فراملی و به همراه آن مبنای تعریف جرائم از یک سو و همچنین مفهوم جنگ از سوی دیگر دستخوش تغییر می‌شود (Expertenkommission, 2001: 5). ائتلافهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای برقراری امنیت داخلی ضروری هستند. خصوصیات و ماهیت جنگها نیز تغییر می‌کند و جنگهای مسلحانه میان کشورها به سمت جنگهایی کوچک و خصوصی کشیده می‌شوند. بنابراین، ما شاهد درگیریهای نظامی یا پلیسی گسترده‌ای هستیم که با هدف برقراری امنیت و حمایت از حقوق بشر انجام می‌شوند. مفهوم امنیت داخلی و خارجی از قبل به واسطه کنترل جرائم سازمان‌یافته و فراملی تغییر یافته بود.

* Enemy Criminal Law.

این تغییرات نشان دهنده همگرایی میان مفهوم امنیت داخلی و خارجی و گرایش به خصوصی سازی جنگها* است. پدیده خصوصی سازی جنگها که همراه با پیدایش مبارزان متحد** و شرکتهای نظامی خصوصی*** است، منجر به ایجاد مشکلات اجتماعی - قانونی می شود (Grosse Anfrage: 2005; Antwort der Bundesregierung: 2005). این تغییرات را می توان نشانه کمرنگ شدن دولت ملی**** و انحصار قدرت به شمار آورد (Beck: 2002). پلیس فراملی در پلیس اروپا (یوروپل) در قالب افسران رابط و گروههای مشترک تحقیقاتی و بازرسی مشهود است. این مورد در نهایت منجر به کمرنگ شدن و کاهش نقش قوه قضائیه در سطح بین المللی می شود که خود نشانه شکست در حمایت از حقوق شهروندی است. همچنین اهداف و کارکرد سازمانهای سرّی نیز تغییر می کند. امروزه استراتژیهای ضد تروریستی به سوی ادغام اجزای سرویسهای مخفی و همچنین سازمانهای اجرای قانون و سرویسهای مخفی هدایت می شوند. با نگاهی به قانون پاتریت ۲۰۰۱، درمی یابیم که بیشتر استراتژیهای ضد تروریستی فعلی در آمریکا این چنین می باشند (Mello, 2002: 381). از این رو حقوق جزا در معرض خطر بیگانگی از اصول کلاسیک خود قرار دارد.

در مفهوم حقوق جزای دشمن مدار، حقوق مربوط به دادرسی (شکلی) و اصل شخصی بودن جرم به عنوان مانع تلقی می شود (Turk, 2002: 281). طبق دستور نظامی رئیس جمهور امریکا در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ در خصوص بازداشت، تعقیب و محاکمه برخی از اتباع خارجی در مبارزه با تروریسم، قانون جزای دشمن مدار به نمایش درآمد. بک، ***** جامعه شناس آلمانی، دو نوع همکاری فراملی را بین دولتهایی که دارای کنترل اجتماعی مبتنی بر حقوق کیفری متفاوت از یکدیگر بوده و نحوه برخورد آنها در برابر تروریسم و انحراف (در معنای عام خود، جرم و خطر) با یکدیگر متفاوت است، پیش بینی می کند.

* Privatization of wars.

** Corporate Warriors.

*** Private Military Firms.

**** Nation State.

***** Beck.

اولین نوع این همکاری‌های فراملی بین کشورها مربوط به دولتهای مراقب است.* خطر در کشورهای مراقب باعث شده است که این کشورها تبدیل به پادگانی شوند که در آن امنیت اولین اولویت را داشته باشد و از طرف دیگر دموکراسی و آزادی تنزل درجه پیدا کند (Beck, 2002: 26). ویژگی این دولتها این است که در آن حقوق کیفری تبدیل به حقوق پلیسی** می‌شود که به دنبال کنترل خطر است. این نوع از دولتها در اروپا همزمان به دنبال ایجاد «پادگانی اروپایی» هستند که با ایجاد جامعه با فرهنگهای مختلف مخالف‌اند. رشد این‌گونه دولتها کاملاً آشکار است و در قانون مهاجرت، کنترل مهاجرت و تغییر قوانین پناهندگی سیاسی نمود پیدا کرده است.

پارادایم حقوق کیفری در این فرایند، از حالت حقوق کیفری لیبرال و شهروندمدار به حقوقی دشمن‌مدار تغییر می‌یابد. این نوع حقوق کیفری دشمن‌مدار با حقوق کیفری شهروندمدار تفاوت دارد، چرا که مجرمان افرادی تصور می‌شوند که نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند نوعی تضمین‌شناختی،*** مبنی بر اینکه همانند افراد عادی اجتماع رفتار خواهند کرد ارائه دهند. این مجرمان، ذهنیتی ایجاد می‌کنند که به طور دائم، بر خلاف نظم و قانون رفتار می‌کنند و نمی‌توانند حداقل اعتمادی را ایجاد نمایند که آنها نیز می‌توانند بر طبق قانون، هنجارها و نهادهای اجتماعی رفتار کنند.

نمونه قانون جزایی دشمن‌مدار به ویژه در مباحث جرائم اقتصادی یا جرائم سازمان‌یافته مشهود است. در این مورد فرد به عنوان تهدیدی عمومی محسوب می‌شود، نه به عنوان تهدیدی برای منافع فردی خاص. مجرم تهدیدی واقعی برای جامعه، ساختارهای اجتماعی و امنیت داخلی و خارجی دولتها محسوب می‌شود. تروریستها نمونه بارز این افراد هستند.

۵. ساختار و نتایج قانون ضد تروریستی

قانونگذاری ضد تروریستی پس از یازده سپتامبر، از طریق هماهنگی و همگرایی تعیین می‌شود. به علت مقتضیات بین‌المللی، اروپایی و سازمان ملل متحد بوده است که جرائم

* Surveillance state/ States of surveillance.

** Police law.

*** Cognitive guarantee.

جدیدی ایجاد شده و حوزه‌های نیازمند هماهنگی معین شده است. مخصوصاً ایجاد جرائم جدیدی نظیر مشارکت و حمایت سازمانهای تروریستی و تأمین مالی تروریسم، کنترل پول‌شویی، ادغام مؤسسات و سازمانهای مرتبط با امنیت داخلی و خارجی، ادغام نهادهای اجرای قانون و سرکوبی و پیشگیری از خطرها. به ویژه کنترل پول‌شویی موجب ظهور اسنادی شده است که موجب ایجاد هماهنگی در قانونگذاری و اجرای آن می‌شود. همچنین انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی در ارتکاب خشونت به شرایطی تبدیل شده‌اند که تشدید مجازاتها را توجیه می‌کنند (در حالی که سابقاً به عنوان یک مزیت محسوب می‌شد). مشروعیت رسمی قانونگذاری ضد تروریسم نشان از ظهور استدلال‌ات مشابه می‌دهد. هدف کلی در این زمینه، حمایت در برابر خشونت‌های تروریستی بین‌المللی و فرامرزی است. آن‌گاه این سؤال مطرح می‌شود که آیا چنین افزایش امنیتی را می‌توان انتظار داشت. با این حال، تحقیقات و ارزیابی دقیقی در این زمینه وجود ندارد. بر طبق یک نظرسنجی انجام شده در بین متخصصان امنیتی در استرالیا، اکثریت آنها اظهار داشتند که قوانین ضد تروریستی جدید باعث ایجاد امنیت بیشتر نمی‌شود، بلکه تنها موجب نقض آزادیهای مدنی افراد می‌شود.* همچنین قانون ضد تروریسم برچسب قانونی نمادین و تا حدی ناکارآمد را خورده و نوعی تظاهر ساده قلمداد شده است که نشان می‌دهد دولت در این زمینه فعال است (Paeffgen, 2002: 341). پیش‌بینی‌هایی مشابه نیز در مورد قانون پاتریت آمریکا صورت گرفته است (Mello, 2002: 385).

اگر چه تحقیقات انجام شده بر روی تروریسم، به بررسی شرایط مربوط به انحلال جنبشهای تروریستی نپرداخته‌اند، اما با وجود این، می‌توان از برخی شرایط برای ارزیابی موفقیت یا شکست قانونگذاری ضد تروریسم نام برد. همان‌طور که بیان شد، نظارت بر جرائم عادی و استراتژیهای قضایی، در توضیح شکست جنبشهای تروریستی از اهمیت و ارتباط بالایی برخوردار نیستند. کاهش حمایت‌های سیاسی شرطی مهم در شکست یا انحلال گروههای تروریستی قلمداد می‌شود. اگر ظهور تروریسم با تعارضات مبنایی در جامعه ارتباط داشته باشد و رابطه بین گروههای تروریستی با دیگر بخشهای جامعه، بخشی از

* Lateline Survey Of Australian Security Experts, 27/10/2005, www.abc.net.au/lateline/content/2005/s_1492426.htm.

تعارضات اجتماعی مبنایی باشد، این امر ارتباط ویژه با بروز خشونت‌های تروریستی خواهد داشت. شرایط موفقیت جنبش‌های تروریستی را می‌توان به طور بارز در حمله به دولت مرکزی و نهادهای حکومت یافت.

تاکنون اصلاً انتظار نرفته است که قانونگذاری ضد تروریسم باعث ایجاد امنیت بیشتر در جامعه شود. در این زمینه آنچه تغییر خواهد کرد، خود حقوق کیفری، نحوه برخورد با مظنونین کیفری و کسانی که ممکن است به مظنونی کیفری تبدیل شوند، خواهد بود. از این رو جالب‌ترین بحث در مورد روندهای خاصی است که آینده حقوق جزای دشمن‌مدار را مشخص می‌کنند. کاملاً واضح است که چنین قوانینی، شکلی مرکب و دوگانه* دارند، بدین صورت که بین قوانین کیفری، پلیسی و نظامی در نوسان‌اند (به عنوان مثال به بیانیه کاخ سفید در خصوص رفتار با زندانیان القاعده و طالبان در سال ۲۰۰۲ رجوع نمایید). این امر قطعاً از طریق ویژگیهای خاص تروریسم فراملی و بین‌المللی تحلیل می‌شود.

تروریسم بین‌المللی به همراه خود خشونت‌های سازمان‌یافته را می‌آورد. با این حال این خشونت‌ها را نمی‌توان همسان جنگ‌های سنتی دانست، چرا که آنها نوعی خشونت مداوم و بی‌تناسب** هستند که نمی‌توان آنها را از طریق معاهدات سنتی و توافقات مربوط به حفظ صلح پایان داد. تاکنون هیچ یک از اصول اولیه معاهدات ژنو در خصوص زندانیان جنگی و حقوق جزای سنتی (که در مورد جرائم عادی اعمال می‌شود) نتوانسته است با مسائل خاص ناشی از تروریسم منطبق شود.

وزارت کشور بریتانیا در سال ۲۰۰۵ طرح‌هایی برای اصلاح قانونگذاری ضد تروریسم ارائه داد، تا محاکمات کیفری به صورت غیرعلنی و مخفیانه انجام شود. مهم‌تر از این، وزارتخانه مزبور درخواست کرده است که معیار بار اثبات دعوی از معیار فراتر از شک معقول*** به معیار توازن احتمالات**** تغییر پیدا کند (www.guardian.co.uk/terrorism/story/). وزارت کشور فدرال آلمان اخیراً خواستار تصویب قانونی شده است که بر اساس آن بتوان افراد خطرناک را توقیف نمود، اگر چه جرائم سابق آنها هنوز ثابت نشده باشد (www.bmi.bund.de/).

* Hybrid form.

** Ongoing and asymmetric form.

*** Beyond reasonable doubt

**** Balance of probability.

در حقیقت اولین محاکمه در مورد حمله به مرکز تجارت جهانی که در آلمان برگزار و منجر به صدور حکم محکومیت متصدق* شد، بیانگر مشکلاتی بود که در اجرای استانداردهای دادرسی عادلانه در پرونده‌های تروریستی رخ می‌دهد. قانونگذاری فعلی که از طریق توقیف بازدارنده** در برابر افراد خطرناک واکنش نشان می‌دهد، مبتنی بر استدلالاتی است که قبلاً در قرن نوزدهم پذیرفته شده بود.

یکی از اشکال توقیف بازدارنده شرایط روانی فرد را در نظر می‌گیرد و در صورتی که فرد بازداشت شده برای خود یا دیگران خطرهای شدیدی ایجاد نماید، اجرا خواهد شد. نوع دیگر توقیف بازدارنده که در بیشتر سیستمهای عدالت کیفری اروپای قاره‌ای رواج دارد، با توجه به میزان خطرناکی فرد که باید مرتبط با جرائم گذشته وی باشد و از طریق بروز ویژگیهای یک مجرم به عادت توجیه می‌شود، تعیین می‌گردد.

نوع سوم توقیف بازدارنده در قوانین پلیس (یا نظم عمومی) به چشم می‌خورد. اگر فرد مورد ارزیابی قرار گرفته و خطری آنی*** از خود نشان دهد، توقیف (برای مدت کوتاهی) خواهد شد. این‌گونه توقیفها معمولاً کوتاه‌مدت بوده (برای مثال در آلمان حداکثر تا دو هفته) و باید از طریق خطری قریب‌الوقوع**** توجیه شوند. جرائم سازمان‌یافته فراملی و تروریسم بین‌المللی اشاره به نوع جدیدی از حالت خطرناک دارد که نه ناشی از جنون و نه ناشی از بزهکاری مزمن است، بلکه رفتاری عقلانی و نگرشی افراطی است که ارزیابی حالت خطرناک را تحریک می‌کند.

* Motassadeq.

** Preventive or Pre-emptive Detention.

*** Immediate danger.

**** Imminent danger.

منابع

1. Albrecht, H.-J. : *Fortress Europe? - Controlling Illegal Immigration. European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, 10,2, 2002, pp. 1-22.
2. Albrecht, H.-J., Dorsch, C., Knipe, C. : *Rechtswirklichkeit und Effizienz der Oberwachung der Telekommunikation nach den §§100a, 100b StPO und anderer verdeckter Ermittlungsmaßnahmen*. Max-Planck-Institute for Foreign and International Criminal Law: Freiburg, 2003.
3. Albrecht, H.-J., Fijnaut, C. (Eds.): *The Containment of Transnational Organized Crime*. Comments on the UN-Convention of December 2000. Freiburg: Edition iuscrim, 2002.
4. Antwort der Bundesregierung: *Auslagerung spezifischer Sicherheits- und Militäraufgaben an nichtstaatliche Stellen*. Bt-Drucksache 15/5824, 24. 06, 2005.
5. Beck, U. : *Das Schweigen der Wörter. Über Terror und Krieg*. Frankfurt: Edition Suhrkamp, 2002.
6. Berlitz, U., Dreier, H. : Die legislative Auseinandersetzung mit dem Terrorismus. In: Sack, F., Steinert, H. (Eds.): *Protest und Reaktion*. Opladen: Westdeutscher Verlag, 1989, pp. 227-318.
7. Bowden, M. : *The Dark Art of Interrogation*. The most effective way to gather intelligence and thwart terrorism can also be a direct route into morally repugnant terrain. A survey of the landscape of persuasion. The Atlantic Monthly October 2003.

8. Council of Europe's Anti-Torture Committee. News Flash. www.cpt.coe.int/documents/gbr/2004-03.
9. Crelisten, R., Ozkut, I. : Counterterrorism Policy in Fortress Europe: Implications for Human Rights. In: Reinares, F. (Ed.): *European Democracies Against Terrorism. Governmental Policies and Intergovernmental Cooperation*. Ashgate: Aldershot, 2000, pp. 245-272.
10. *Expertenkommission im Auftrag der Bundesregierung (23.01.2001): Bericht an den Nationalrat Verteidigungsdoktrin Analyse- Teil*. Wien.
11. Grassle-Munscher, J. : *Terror und Herrschaft. Die Selbstbespiegelung der Macht*. Hamburg: Europäische Verlagsanstalt, 2002.
12. GroB, T. : *Terrorbekämpfung und Grundrechte. Zur Operationalisierung des Verhältnismäßigkeitsgrundsatzes*. Kritische Justiz, 35,1, 2002, pp. 1-17.
13. Grosse Anfrage: *Auslagerung spezifischer Sicherheits- und Militäraufgaben an nichtstaatliche Stellen*. Deutscher Bundestag Drucksache 15/0, 15. Wahlperiode, 18. Januar, 2005.
14. Hermant, D., Bigo, D. : Les Politiques de Lutte contre le Terrorism: Enjeux Francais. In: Reinares, F. (Eds.): *European Democracies Against Terrorism. Governmental Policies and Intergovernmental Cooperation*. Hampshire: Ashgate, 2000, pp. 73-118.
15. Hoffman, B., Morrison-Taw, J. : A Strategic Framework for Countering Terrorism. In: Reinares, F. (Eds.): *European Democracies Against Terrorism. Governmental Policies and Intergovernmental Cooperation*. Hampshire: Ashgate, 2000, pp. 3-29.
16. Huber, B. : *Die Änderungen des Ausländer- und Asylrechts durch das Terrorismusbekämpfungsgesetz*. Neue Zeitschrift für Verwaltungsrecht, 7, 2002, pp. 787- 794.

17. Jakobs, G. : Selbstverständnis der Strafrechtswissenschaft vor den Herausforderungen der Gegenwart (Kommentar). In: Eser, A., Hassemer, W., B. Burkhardt (Eds.): *Die deutsche Strafrechtswissenschaft vor der Jahrtausendwende. Rückbesinnung und Ausblick. München: Beck, 2000, pp. 47-56.*
18. Kunz, K.-L. : *Kriminologie*. 3. Auflage. Bern, Stuttgart, Wien: Haupt, 2001.
19. Malcolm, W., Barker, D. : *Privacy and Surveillance: trouble ahead for communications providers*. New Law Journal, 152,7016, 2002, pp. 80-83.
20. Mello, M. : *Friendly Fire: Privacy vs Security After September 11*. Criminal Law Bulletin, 38, 2, 2002, pp. 367-395.
21. Militello, V., Arnold, J., Paoli, L. : *Organisierte Kriminalität als transnationales Phänomen*. Freiburg: Edition iuscrim, 2001.
22. Paeffgen, H.-U. : *"Vernachrichtendienstlichung" von Strafprozeß- (und Polizei)recht im Jahre 2001*. Strafverteidiger 22,6, 2002, pp. 336-341.
23. Parent, G.-A. : *Les événements du 11 septembre et la sécurité intérieure*. Revue internationale de criminologie et de police technique et scientifique 55,1, 2002, pp. 51-69.
24. Sack, F. : *Jugendgewalt - Schlüssel zur Pathologie der Gesellschaft?* in: *Programmleitung NFP 40 (Eds.): Gewalttätige Jugend - ein Mythos?* Bulletin Nr. 4. Bern: SFN, 1999, pp. 10.
25. Sack, F. : *Prävention als staatliches Sicherheitsversprechen- Wandlungen des Gewaltmonopols in Deutschland*, in: *Komitee für Grundrechte und Demokratie (Eds.): Verpolizeilichung der Bundesrepublik Deutschland*. Köln: hbo-druck, 2001, pp. 21-65.
26. Sarma, K. : *Informers and the Battle Against Republican Terrorism: A Review of 30 Years of Conflicts*. Police Practice & Research: An International Journal, 6, 2005, pp. 165-180.

27. Sassoli, M. : The Status of Persons Held in Guantanamo under International Humanitarian Law. *Journal of International Criminal Justice* 2, 2004, pp. 96-106.
28. Saul, B. : *International Terrorism as a European Crime: The Policy Rationale for Criminalization*. *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice* 11, 2003, pp. 323-349.
29. Tolmein, O. : *Yom Deutschen Herbst zum 11. September. Die RAF, der Terrorismus und der Staat*. Hamburg: Konkret, 2002.
30. Turk, A. T. : Policing International Terrorism: Options. *Police Practice and Research. An International Journal* 3, 2002, pp. 279-286.
31. Walker, C. : *The Prevention of Terrorism in British Law*. 2. Auflage. Manchester: Manchester University-Press, 1992.
32. Walker, C. : *Briefing on the Terrorism Act 2000*. *Terrorism and Political Violence* 12,2, 2000, pp.1-36.